

فرار از بن بست

زامبی‌ها و متحجرین



مسعود فروغی
فاندمقام مدیرمسئول

دو دسته نحله فکری - سیاسی در ایران وجود دارند که از عبارت «تکثر اجتماعی» می‌ترسند و همزیستی طیف‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی زیرپرچم ایران و فرهنگ عمومی را - که ویژگی‌های توأمان دین‌مدارانه و ایرانی دارد - برنمی‌تابند. آنها دوست دارند همه شبیه خودشان شوند و کمترین تفاوت را مساوی با خروج از دین یا عقل بشری می‌دانند. در ایام مذهبی و ملی از جمله اربعین که ظهور و بروز عناصر دینی در جامعه زیاد می‌شود، تیغ این دو گروه تیزتر از هروقت دیگر جامعه را زخمی می‌کند. سواد لازم برای جنگ روانی این دو گروه با جامعه یک عکس از چهره‌های ورزشی یا هنری است، این عکس اگر حضور آنها در طریق‌الحسین به سمت کریلا باشد، گروه اول بعد از بایکوت و سانسور سریع تخریب آن چهره‌ها می‌رود. شمشیر تخریب «زامبی‌ها» بنا بر موقعیت از انگ‌های سیاسی تا اخلاقی روی آن چهره‌ها کشیده می‌شود. گروه دوم اما به سبب تمام متحجرین تاریخ‌کنش مذهبی آن چهره‌ها را بایرچسب‌های غیراخلاقی مثل ریاکاری و نیش قبر کردن گشته به حاشیه می‌برد. البته اشتراک نا نوشته این دو گروه تخریب تمام کسانی است که می‌خواهند تصویری از واقعیت اجتماعی ایران را نشان دهند. ماشین تخریب زامبی‌ها و متحجرین چه ویژگی‌هایی دارد و چرا برای جامعه ایران خطرناک است؟ و برای عبور از این بن بست چه کاری می‌توان کرد؟

مساله اول:

زامبی‌ها چگونه به جامعه حمله می‌کنند؟

در مقاطع مختلف تاریخی و سیاسی گروهی از عناصر فعال وجود دارند که با هرگونه تصویر زنده بودن دین در جامعه مبارزه می‌کنند. آنها تقویت عناصر و مولفه‌های دینی در جامعه و رزمگ خودشان می‌دانند و دوست دارند تصویر دین‌مداری و خداپاوری فقط مختص بخش کوچکی از جامعه باشد. آنها تلاش می‌کنند پایه‌های محکم پایبندی جامعه ایران به دین را نادیده بگیرند و هر نشانه‌ای از این را که خدامحوری و دین‌پاوری در اعماق جامعه زنده است، بایکوت و سانسور می‌کنند. تغییر نظام رسانه‌ای رسمی که باعث تغییرات مهمی در فضای عمومی و نحوه مصرف رسانه‌ای جامعه شده و گسترش رسانه‌های اجتماعی که عصر جدیدی از حیات اجتماعی انسان‌ها را ایجاد کرده، مهم‌ترین ابزار گروهی است که «زامبی‌وار» هر نشانه دینی را مورد حمله قرار می‌دهند. فضای سنگینی که زامبی‌ها درست می‌کنند بی‌شبک است، با سازماندهی پشت صحنه سرویس‌های جاسوسی ضد ایرانی امکان پذیر است، به نحوی که شبیه‌های از رسانه‌های رسمی خارج‌شده، رسانه‌های سیاه‌رنگ‌شده‌های اجتماعی و برخی منابع داخلی هرکدام بخشی از زنجیره تولید و توزیع محتوا علیه هرگونه زیست مسالمت‌آمیز دین و عرف در جامعه ایران را برعهده دارند. زامبی‌ها از سفر اربعین چهره‌های مشهور فوتبالی و مدل‌آوران لمپتیک و... عصبانی می‌شوند. زامبی‌ها از عرض اذیت ورزشی‌ها به شهنا بدشان می‌آید و آن را با عملیات مخرب رسانه‌ای بمباران می‌کنند. زامبی‌ها کاری می‌کنند چهره‌ها را انتشار عکس و فیلم نماز خواندن خودشان بترسند. برای همه این توصیفات دهه‌ها مثال زنده و فعال در جامعه ورزشی و هنری وجود دارند. کاری که زامبی‌ها می‌کنند پیچیده است. آنها به اسم کل‌کل‌های ورزشی یا رقابت‌های هنری کنش مذهبی چهره‌ها را سیاه می‌کنند و اگر کسی بخواهد بی‌تفاوتی نشان بدهد کار به فحاشی و تهدید می‌رسد. نتیجه وجود زامبی‌ها و عمل آنها منفعلس شدن چهره‌ها و تلاش آنها برای مخفی کردن علق دینی و مذهبی خودشان است. مسیری که در سال‌های اخیر با سرعت زیاد در پشت صحنه ورزش و فضای فرهنگ و هنر ایران به شدت طی شده است.

مساله دوم:

متحجرین چگونه علیه جامعه فعال هستند؟

گروه دوم تفاوت‌های ظاهری با هرگونه اشتباه و خطای گذشته چهره‌ها برای تخریب کنش مذهبی آنها بهانه قرار می‌دهد. آنها تصور می‌کنند با احداث کردن مطالبات و تشدید تضادهای ظاهری به دین کمک می‌کنند. البته اگر خوشبین باشیم متحجرین فقط در یک بن بست فکری گرفتار هستند. آنها حتی به عکس چهره‌ها در کربلا حمله می‌کنند و حضور آنها در خیل عظیم زائران حسینی را برنمی‌تابند. متحجرین به خاطر شباهت گفتمانی با ارزش‌ها و نمادهای حاکمیت باعث شکاف میان چهره‌ها و ارزش‌های می‌شوند. آنها کنش مذهبی و ملی چهره‌ها را بایکوت می‌کنند، مگر اینکه از نظر سیاسی یک چهره کنش مستقیمی به نفع برخی ارزش‌ها داشته باشد. در واقع فضای عمومی جامعه در میان حملات دو گروه زامبی و متحجر مجبور به نوعی مخفی‌کاری می‌شود. متحجرین به خاطر خطای یک بازیکن فوتبال که تنوی ضد فرهنگی روی بدنش زده است کل جامعه ورزشی را لایک بی‌دین معرفی می‌کنند. آنها هیچ تلاشی برای جبران خطای آن بازیکن انجام نمی‌دهند و با پوشش‌های رسانه‌ای چنان‌ها همه چهره‌ها را تخریب می‌کنند که درون فضای ورزش و هنر انگیزه‌ای برای کنش عمومی مذهبی باقی نمی‌ماند. نکته فاجعه‌بار اینکه هر حرکت متحجرین به نام نظام سیاسی زده می‌شود.

مساله سوم:

برای نجات از بن بست دو گروه رادیکال چه کنیم؟

واقعیت جامعه ایران همان طور که افکارسنجی‌های معتبر نشان می‌دهد باورمندی عمیق به دین و خداپاوری است. تفاوت‌های زیست اجتماعی در دهه‌های اخیر به معنای پشت کردن جامعه به دین نیست، چنانچه چهره‌های ایران در مقاطعی مانند دهه اول محرم و اربعین آنقدر تغییر می‌کند که نمی‌توان آن را محصول کنش بخش محدودی از جامعه دانست. احترام عمومی به ایام عزاداری آل‌الله یا همزیستی ایرانی شده رمضان و نوروز و سفر چنده میلبیونی از تیب‌های مختلف اجتماعی به شهرهای زیارتی در داخل و خارج ایران در طول سال‌های سندی روشن بر حیات دین در جامعه ایران است. نکته مهم اینکه درون جامعه ورزشی و هنری گرایش پرزورگی به ارزش‌های دینی وجود دارد که شاید برای کسانی که از نزدیک درکی نداشته باشند، باورپذیر نباشد. اما آیا این نکات کافی است؟ قطعاً خیر. برای به هم زدن نقش منفی زامبی‌ها و متحجرین و خروج از بن بست رادیکالیسم آنها چند مولفه لازم است: **یکم. ارتباط موثر با چهره‌ها:** بی‌تردید نظام حکمرانی مناسبت به ارتباط با چهره‌های ورزشی و هنری کم‌کاری شدیدی کرده و به حرف آنها را شنیده‌اند. این چهره‌ها منطق روشن نظام سیاسی درباره تصمیمات یا وقایع می‌دانند. تا دل‌تان بخواد فاصله عاطفی میان چهره‌ها و ساختار اداره کشور وجود دارد. دلیل این فاصله عاطفی رهایی مدیریت ارتباط است. چهره‌ها زیر بمباران رسانه‌ای زامبی‌ها و متحجرین هستند و کسی برای آنها واقعیت را شرح نمی‌دهد. دلیل کنش منفعلانه دست‌اندرکاران ورزش و هنر نسبت به ارتباط موثر با چهره‌ها به ضعف محتوایی، ناپذیری تشکیلاتی و بی‌تفاوتی آنها برمی‌گردد. تردید نکنید اگر ارتباط موثر و مدیریت درست وجود داشت، هیچ‌گاه بازیکن فوتبال به خودش اجازه حرکت ضد فرهنگی - مثل آن تنوی غیرقابل دفاع - زامنی داد. این گزاره یک خبر قطعی از درون جامعه ورزش است. **دوم. به هم زدن نظم رسانه‌ای موجود در فضای ورزش و هنر:** وقتی چهره‌ها در فضای ورزشی میان دو صدای بلند زامبی‌ها و متحجرین گیر افتاده‌اند، راهی غیر از این انفعال فعلی ندارند. وقتی رسانه‌های ورزشی و هنری یا دست بایکوت زامبی‌ها را تقویت می‌کنند یا فشار متحجرین را رسمیت می‌دهند، چهره‌ها و فعالان ورزش و هنر زیر این آتش بار تصمیمات غلط می‌گیرند. به باتزاب سفر یک کاروان ورزشی به کربلا در رسانه‌های تخصصی نگاه کنید؛ بسیار غم‌بار است.

سوم. افشای زامبی‌ها و متحجرین برای عموم جامعه: نمی‌توان از جامعه دفاع عقلاانه کرد بدون اینکه تنگه مخرب دو گروه زامبی و متحجر را افشا کرد. جامعه باید نسبت به هرگونه تخریب کنش مذهبی و ملی واکنش منفی ببیند تا کم‌کم فضاتعمیر کند. **چهارم. کارآمدی کلیلک رادیکال:** دست‌آورد اینکه مدیریت درست منابع و بهبود سازوکارهای اجرایی در تغییر فضای ورزش و هنر مهم و اساسی است. به هر حال زبان گویای هر نظام سیاسی عملکردان در واقعیت است. حرف‌درمانی خالی جواب نمی‌دهد.

چرا نمی‌توان تلاش آمریکا برای آتش‌بسی را باور کرد؟

چرا نمی‌توان تلاش آمریکا برای آتش‌بسی را باور کرد؟



طراح: ارشد فروغی فرهیختگان

فرهیختگان

شماره ۴۲۱۴ | ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ | چهارشنبه
صفحه ۱۶ | ۱۶ صفر ۱۴۴۶ | ۲۹ اگوست ۲۰۲۴
FARHIKHTEGANON | FARHIKHTEGANDAILY

امرامتی در استمرار امر ملی



رضا کردلو
فعال فرهنگی

یادداشت

یکی از مناقشات همیشگی در فهم امر ملی، مساوی گرفتن آن با ملی‌گرایی یا تعریف افراطی از آن، یعنی ناسیونالیسم است. فهم اینچنینی که البته ناشی از بی‌سوادی است، شرایطی را ایجاد کرده که هرکس نسبت به تقویت امر ملی حساسیت به خرج دهد، آن فرد و حساسیت او را ناسیونالیستی تلقی می‌کنند. برخی برجسب‌های دیگر هم به متولیان امر ملی زده می‌شود. یا تقابلی که میان مدافعان امر ملی با اسلام ایجاد می‌شود. عبارت ناسیونالیسم که به عنوان پدیده‌ای تاریخ‌مصرف گذشته هنوز برای طرد متولیان امر ملی مورد استفاده برخی مذهب‌پس و برخی متدینین قرار می‌گیرد، چه معنایی دارد؟ ناسیونالیسم در زمان اوج رواجش، ایده‌ای بدوی و مطرود بود و در برخی کشورها به فاشیسم منجر شد؛ چرا که ناسیونالیسم در بطن خود با تناقضی جدی مواجه است. و آن این است: «ناسیونالیسم تا کجا؟» چرا در دل قومی که با ایده ناسیونالیستی حکومت زار دست گرفته‌اند، قوم تازه‌ای به قیام برخیزد؟ و از دل آن قوم دیگری و همین‌طور پیش‌ترود تا اینکه بسرموها، به سان دوران پیش از شکل‌گیری دولت-ملت‌ها، به مجادله برای مطالبه قدرت برخیزد؟ خوب اگر انصاف داشته باشیم، کجا این معنا را با آنچه در گذشته و متولیان امر ملی در ایران دنبال می‌کنند، یکی می‌گیریم؟ آنچه در ایران پیگیری شده و ملت‌ساز بوده، اتفاقاً ناسیونالیسم است؛ چرا که اتفاقاً در کشوری با این تعداد از اقوام و یوکردهای تنجیه‌ای می‌توانست منطبق با ناسیونالیسم پیش گرفته شود و در نتیجه آن، ایرانی باقی نماند؛ پس به هنگام استفاده از کلمات دقت و تأمل بیشتری باید صورت بگیرد. امر ملت‌ساز در ایران، اتفاقاً از دل ناسیونالیسم بیرون آمد. جمهوری اسلامی با توجه دادن مردم از اقوام مختلف، به مشترکات از جمله مذهب، زبان فارسی، تمامیت ارضی و... هویت ایرانی مردم را به آنها یادآوری کرده است و توانسته در این جغرافیای گسترده و متکثر، ارزش‌های اجتماعی واحدی را تولید کند. این مهم از دید بسیاری از جامعه‌شناسان که عموماً مشغول امور روزمره هستند، پنهان مانده است. اگرچه این ارزش‌های اجتماعی دارای پس‌زمینه تاریخی است و یک شبه شکل نگرفته است، اما همین‌زمان به اندازه امروز به گسترگی همه جغرافیای ایران معنادار زیاده‌است. نگارنده به عنوان یکی از حاضران در رژه سرپل ذهاب، سیل خروشان و لرستان، رژه خوبی و برخی حوادث دیگر، شاهد این امر بوده‌ام؛ که نه فقط از تهران، و شبیه حرکتی که غلامرضا تختی در مساله رژه بوبین (هراس) به راه انداخته بود، بلکه از کیلومترها آن طرف‌تر، برای کمک به نقاط حادثه‌آمده بودند. یادم هست در رژه کرمانشاه، اراننده نینسانی را دیدم که با بسبب خردش از شهید به سرپل ذهاب آمده بود. به طلبی‌ای که با روحی از دوستانش از هرگزگان خردش را آنجا رسانده بود. تصویر هوایی سیل خودروها که به سمت سرپل ذهاب در حرکتند، در این‌تیزت قابل جست‌وجوست. غرض از این گزاره‌ها، طرح این مهم است که تقویت امر ملی، نقی پدیده‌های مثبت دیگر نیست. کسی یک بار بویار مقابل ایران و اسلام استاد مطهری را خوانده باشد، متوجه این امر می‌شود که دیوانه‌ای میان اینها نیست. بخش زیادی از تاریخ مکتوب ایران، متعلق به دوره پس از اسلام است و اتفاقاً امر ملی هیچ منافاتی با امر امتی ندارد. از نضا هرچا امر ملی پیروز شده، امر امتی نیز برجسته شده است. قله این مفهوم را می‌توان در دفاع مقدس دید؛ پدیده‌ای که در ذات دفاع از تمامیت ارضی به مثابه امر ملی بود ولی افشش منظومه «مقاومت» که یک مفهوم «امتی» و حتی «انسانی» است را شکل داد. صابو که امروز از دانشگاه کلمبیا تا پارک صلح هیروشیما، از کشورهای مرفه اسکندریا تا آمریکا لاتین و آفریقای جنوبی تلاشه شنیده می‌شود، پرتلاک صابویی است که از میدان دفاع مقدس ایران تا آزادی قلمس را فریاد می‌کشد. به راستی «ناسیونالیسم»، مولفه‌محرک برای توصیف این وضعیت کم‌تظیر و این فرصت تاریخی نیست؟ فرصتی که امر ملی ایرانی، برای جهان جدید ایجاد کرده است؛ البته می‌توان مناسبات متعدد جهانی را در شکل گرفتن وضعیت امروزه دقت داشت، اما حداقل در قضیه مقاومت، هیچ‌کدام به اندازه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایرانیان، علت محدثه نیستند. تاریخ مبارزه با صهیونیسم، به عنوان نمادین‌ترین وجه استکبار و استعمار نو، پیش و پس از انقلاب قابل بررسی است. رسیدن از عملیات‌های چریکی خارج از مرزهای فلسطین و بی‌تایید در وضعیت فلسطین به عملیات علیه رژیم اشغالگر در داخل مرزهای اشغالی اتفاق کمی نیست؛ برای تأکید باید عرض شود که در غده برای امر ملی، نباید مساوی با ناسیونالیسم گرفته شود؛ حال آنکه یکی از متولیان مؤثر امر ملی، آیت‌الله خامنه‌ای است. کافی است تنها به گزاره‌هایی که مورد تأکید ایشان قرار گرفته دقت شود؛ گزاره‌هایی که نه برای سال‌های ابتدای انقلاب و سال‌های رهبری ایشان، که مربوط به همین یک دهه است. ایشان سال گذشته (۱۴۰۲) در دیدار دست‌اندرکاران بزرگداشت شهدای استان همدان، در وقتی میان ایران و اسلام را نفی کردند و گفتند: «از اول انقلاب، یک گروهی سعی می‌کردند گرایش به ملیت را نام ایران را بزرگداشت ایران را در مقابل گرایش اسلامی و انقلابی قرار بدهند و تفکیک کنند بین مساله ملیت و مساله اسلامیت، جنگ، دفاع مقدس و شهیدان عزیز ما این وسوسه باطل را به‌طور واضح و به صورت عملی ابطال کردند... چه کسی از مرزها دفاع کرد؟ چه مسلمان‌ها، ماژرنتسب‌خوان‌ها، چیت‌سازان، هاساگی‌ها، لشکر انصارالحسین؛ اینها دفاع کردند. اسلام دفاع کرد از مرزهای ایران. اسلامیت و ایرانیست دو قطب متضاد نیستند، یک حقیقتند. اشاره مهم دیگر ایشان توجه دادن دانش‌آموزان به عناصر هویت‌ساز است. ایشان در دیدار با مدلمان، در اردیبهشت ۱۴۰۲، به سه مولفه هویت‌ساز از جمله زبان فارسی، پرچم و ملیت اشاره کردند و گفتند: «یکی از چیزهایی که از معلمین عزیز و محترم انتظار می‌رود این است که احساس هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان این کشور باید زنده کنید. مساله زبان مهم است، مساله ملیت مهم است، مساله پرچم مهم است. دلبسته‌باید باشد. اینها چیزهای لازمی است. اینها اساسی است. بایستی این شناخت را، این هویت‌شناسی ملی و شخصی را در دانش‌آموز زنده کنید. [دانش‌آموز] باید به ایرانی بودن خودش افتخار کند. البته افتخار هم دارد.» این توجه دادن‌ها، نشانه‌ای جدی بر این است که امر امتی، برای ایرانی مسلمان، در استمرار امر ملی معنادار می‌شود؛ و نکته ممکن است در غده‌مندانش راه ترکستان برود که در مواردی اینچنین نیز شده است.

«فرهیختگان» منتشر می‌کند: برای هر وزیر پیشنهادی چند نماینده موافق و مخالف ثبت نام کردند؟

۲ وزیر لب‌مرز افتادند

اعضای کمیسیون فرهنگی

در روز رای اعتماد وزیر فرهنگ کجا بودند؟

فعلاً تعطیل است



بانک جهانی در برآورد جمعیت ایران خطا دارد

ماکی ۹۱ میلیون شدیم؟

۷

حق اعتراض

تکثر امنیت و...

وزیر پیشنهادی کشور

در مجلس چه گفت؟

۷

فشار حداکثری مالیات به حقوق‌بگیران

«فرهیختگان» تبعات اجتماعی و اقتصادی کاهش سقف مالیاتی حقوق‌بگیران را بررسی می‌کند ۱۶